

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَابُ سِتْرِ الْعَوْرَةِ

هُوَ وَاجِبٌ حَتَّى فِي الْخَلَوَاتِ إِلَّا لِلْحَاجَةِ^۱ وَهُوَ شَرْطٌ لِصِحَّةِ الصَّلَاةِ، فَإِنْ رَأَى فِي ثَوْبِهِ بَعْدَ الصَّلَاةِ خَرْقًا فَكُرُوِيَةَ التَّجَاسَةِ.

پوشیدن عورت حتی در خلوت واجب است مگر برای نیاز. و آن برای صحت نماز شرط است. پس اگر بعد از نماز در جامه‌اش پارگی مشاهده کرد همانند دیدن نجاست است (حکم آن گذشت که نماز باطل می‌شود).

وَعَوْرَةُ الرَّجُلِ وَالْأَمَةِ مَا بَيْنَ السَّرَّةِ وَالرُّكْبَةِ^۲، وَعَوْرَةُ الْحُرَّةِ كُلُّ بَدَنِهَا إِلَّا الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ^۳.

^۱ . در بعضی از نسخ چاپی و شروحات، زیاده «بِالْإِجْمَاعِ» وجود دارد اما در چاپ دارالمنهاج - که با چهار ده نسخه خطی تطبیق داده شده - و شش نسخه خطی نزد من وجود ندارد.

^۲ . عَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَوْرَاتُنَا مَا نَأْتِي مِنْهَا وَمَا نَذَرُ؟ قَالَ: أَحْفَظْ عَوْرَتَكَ إِلَّا مِنْ زَوْجَتِكَ أَوْ مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ، فَقَالَ: الرَّجُلُ يَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ؟ قَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَرَاهَا أَحَدٌ فافْعَلْ، قُلْتُ: وَالرَّجُلُ يَكُونُ خَالِيًا، قَالَ: فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ يُسْتَحْيَا مِنْهُ. حسن، ترمذی ۲۷۶۹

بهز بن حکیم از پدرش از جدش روایت می‌کند که گفت: گفتیم: ای رسول خدا! چه اندازه از عورات خود را بگیریم و چه اندازه رها سازیم؟ فرمود: عورت خود را حفظ کن مگر از همسرت و کنیزت. گفتیم: ای رسول خدا! مردی با مرد دیگر اگر باشد؟ فرمود: اگر توانستی که احدی عورتت را نبیند پس انجام بده. گفتیم: ای رسول خدا! هرگاه یکی از ما در خلوت بود؟ فرمود: خداوند سزاوارتر است که از او شرم و حیا کرده شود.

^۳ . عورت مرد:

و عورت مرد و کنیز چیزی است که میان ناف و زانو قرار دارد. و عورت زن آزاد، تمام بدنش است مگر صورت و دو کف دست (پشت آن و داخل آن تا مچ).

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: الْفَخْدُ عَوْرَةٌ. صحيح. ابوداود
۲۷۹۶

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: ران عورت است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ، قَالَ: صَلَّى جَابِرٌ فِي إِزَارٍ قَدْ عَقَدَهُ مِنْ قِبَلِ قَفَاهُ وَثِيَابُهُ
مَوْضُوعَةً عَلَى الْمَشْجَبِ. بخاری ۳۵۲

جابر بن عبدالله در لنگی که از پشت، آن را گره زده بود نماز می گزارد در حالی که لباس او در جارختی آویزان بود.

قطعا لنگ از بالا تا ناف و از پایین تا ساق را می پوشاند و بقیه ی بدن ظاهر می گردد.
عورت کنیز:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا زَوَّجَ أَحَدُكُمْ عَبْدَهُ أُمَّتَهُ أَوْ أَجِيرَهُ فَلَا يَنْظُرُ إِلَى
مَا دُونَ السَّرَّةِ وَفَوْقَ الرُّكْبَةِ فَإِنَّ مَا تَحْتَ السَّرَّةِ إِلَى الرُّكْبَةِ مِنَ الْعَوْرَةِ. حسن. سنن
دارقطنی ۸۷۷

هرگاه یکی از شما بنده اش، کنیزش یا خدمتکارش را به ازدواج درآورد پس به پایین تر از
ناف و بالاتر از زانو نگاه نکند زیرا زیر ناف تا زانو از عورت است.

۴. عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، أَنَّهَا سَأَلَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتُصَلِّي الْمَرْأَةَ فِي دِرْعٍ، وَخِمَارٍ
لَيْسَ عَلَيْهَا إِزَارٌ؟ قَالَ: إِذَا كَانَ الدَّرْعُ سَابِعًا يُغْطِي ظُهُورَ قَدَمَيْهَا. حاکم در مستدرک
۹۱۵ بر شرط بخاری صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

از ام سلمه روایت شده که از رسول الله صلى الله عليه وسلم پرسید، آیا زن در لباس و
روسری نماز بخواند که ازار بر آن نباشد؟ فرمود: اگر لباس، گشاد و بلند باشد که پشت
پاهایش را بپوشاند (جایز است).

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تُقْبَلُ صَلَاةُ حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ. صحيح. مسند احمد
۲۵۱۶۷

نماز دختر بالغ پذیرفته نمی شود مگر با روسری.

وَشَرَطُ السَّاتِرِ: أَنْ يَمْنَعَ لَوْنَ الْبَشْرَةِ، فَلَا يَكْفِي زُجَاجٌ وَمَاءٌ صَافٍ، وَيَكْفِي التَّطْيِينَ وَلَوْ مَعَ وُجُودِ الثَّوْبِ،^٦ وَيَجِبُ عِنْدَ فَقْدِهِ.^٧

و شرط پوشندهی عورت: آن که مانع (ظهور) رنگ پوست شود. پس شیشه و آب زلال کفایت نمی کند. (اما) با وجود لباس، گل اندود کردن کفایت می کند و هنگام نبودن لباس، (گل اندود کردن) واجب می شود.

وَأَنْ يَشْمَلَ الْمَسْتُورَ لُبْسًا: فَلَوْ صَلَّى فِي خَيْمَةٍ ضَيْقَةً عُرْيَانًا لَمْ تَصِحَّ.^٨

و آن که ساتر، پوشیده شده را از لحاظ پوشیدن در بر بگیرد. پس اگر برهنه در خیمه‌ی تنگی نماز گزارد، صحیح نشده است.

وَيُشْتَرَطُ السُّتْرُ مِنَ الْأَعْلَى وَالْجَوَانِبِ^٩ لَا الْأَسْفَلِ،^{١٠} [١] فَلَوْ صَلَّى مُرْتَفِعًا بِحَيْثُ تَرَى عَوْرَتَهُ مِنْ أَسْفَلٍ، [٢] أَوْ كَانَ فِي سُتْرَتِهِ خَرْقٌ فَسُتْرُهُ بِيَدِهِ، جَازَ.

^٥. نجم: زیرا مقصود از پوشانیدن عورت با آن حاصل نمی شود.

^٦. زیرا عورت را می پوشاند. و مقصود با آن حاصل می شود.

^٧. نجم: زیرا بر چیزی دست یافته است که ساتر محسوب می شود. (بنابراین واجب او می شود که خودش را با آن بپوشاند.)

^٨. فتح الوهاب المالک: زیرا خیمه و امثال آن در عرف، ساتر نامیده نمی شوند.

^٩. عَنْ هِشَامٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ أَبِي سَلَمَةَ أَخْبَرَهُ، قَالَ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ مُشْتَمِلًا بِهِ فِي بَيْتٍ أُمَّ سَلَمَةَ وَاضِعًا طَرْفِيهِ عَلَى عَاتِقِيهِ». بخاری ٣٥٦

رسول الله صلى الله عليه و سلم را در منزل ام سلمه دیدم در پارچه‌ای نماز می گزارد که دور خویش پیچانده و دو طرف آن را بر دو دوشش گذاشته بود.

عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي رَجُلٌ أَصِيدُ أَفَاصِلِي فِي الْقَمِيصِ الْوَاحِدِ؟ قَالَ: «نَعَمْ وَازْرُرْهُ وَلَوْ بِشَوْكَةٍ». حسن، ابوداود ٦٣٢

سلمه بن الاكوع می گوید: گفتم: ای رسول خدا! من شخصی هستم که به شکار می پردازم. آیا در یک لباس نماز بخوانم؟ ایشان فرمودند: بله، اما آن را ببند و اگر چه با خاری باشد.

^{١٠}. نجم: زیرا ستر عورت چنین معهود و معروف است.

و پوشیدن (عورت) از بالا و اطراف شرط کرده می‌شود نه از پایین. [۱] پس اگر بر مکان مرتفعی نماز گزارد به گونه‌ای که عورتش از پایین دیده می‌شود [۲] یا در پوشش او پارگی بود و بلافاصله آن را با دستش گرفت؛ (در هر دو مسأله) جایز است.

وَيُنْدَبُ لِامْرَأَةٍ خِمَارٌ، وَقَمِيصٌ، وَمِلْحَفَةٌ غَلِيظَةٌ^{۱۱} وَتُجَافِيهَا،^{۱۲} وَلِرَجُلٍ أَحْسَنُ ثِيَابِهِ،^{۱۳} وَيَتَقَمَّصُ وَيَتَعَمَّمُ، فَإِنْ اقْتَصَرَ فَعَثُوبَانِ: قَمِيصٌ مَعَهُ رِدَاءٌ أَوْ إِزَارٌ أَوْ سَرَاوِيلٌ،^{۱۴} فَإِنْ اقْتَصَرَ عَلَى سِتْرِ الْعَوْرَةِ جَازٌ، لَكِنْ يُنْدَبُ وَضَعُ شَيْءٍ عَلَى عَاتِقِهِ وَلَوْ حَبْلًا،^{۱۵}

۱۱. عَنْ مَكْحُولٍ، قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ فِي كَمْ تُصَلِّي الْمَرْأَةُ؟ فَقَالَتْ: «اِنَّتِ عَلَيَّا فَاسْأَلُهُ، ثُمَّ ارْجِعْ إِلَيَّ» فَأَتَى عَلِيًّا فَسَأَلَهُ، فَقَالَ: «فِي دِرْعٍ سَابِغٍ وَخِمَارٍ» فَرَجَعَ إِلَيْهَا فَأَخْبَرَهَا، فَقَالَتْ: «صَدَقَ». صحيح، مصنف ابن ابی شیبہ ۶۱۶۹

مکحول شامی می‌گوید: از عایشه صدیقه پرسیدم که زن در چند لباس نماز می‌خواند؟ گفت: از علی بن ابی طالب بپرس، سپس نزد من برگرد. مکحول به نزد علی بن ابی طالب آمد و از او پرسید. علی بن ابی طالب گفت: در لباس گشاد و بلند و روسری.

عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: «إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ، فَلْتُصَلِّ فِي ثِيَابِهَا كُلِّهَا الدَّرْعُ وَالْخِمَارُ وَالْمِلْحَفَةُ». صحيح، مصنف ابن ابی شیبہ ۶۱۷۵

هرگاه زنی قصد داشت نماز بگزارد پس در لباسش به تمامی، جامه، روسری و چادر نماز بگزارد.

۱۲. عَنِ ابْنِ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ، أَنَّ أَبَاهُ أُسَامَةَ، قَالَ: كَسَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قُبْطِيَّةً كَثِيْفَةً كَانَتْ مِمَّا أَهْدَاهَا دِحْيَةُ الْكَلْبِيُّ، فَكَسَوْتُهَا امْرَأَتِي، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " مَا لَكَ لَمْ تَلْبَسِ الْقُبْطِيَّةَ؟ " قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَسَوْتُهَا امْرَأَتِي. فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " مُرَّهَا فَلْتَجْعَلْ تَحْتَهَا غِلَالَةً، إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَصِفَ حَجَمَ عِظَامِهَا. اسناده محتمل للتحسين، مسند احمد ۲۱۷۸۶

فرزند اسامه بن زید می‌گوید که پدرش گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم مرا قبطیه - جامه‌ی کتانی مصری که به سبب تراکم نخ‌ها، پوست بدن را آشکار نمی‌ساخت اما به سبب نعومت و نرمی آن، اندام را آشکار می‌ساخت - پوشانید. جامه‌ای که دحیه کلبی به ایشان هدیه داده بود. من آن را به همسرم پوشانیدم. رسول الله صلی الله علیه و سلم به من فرمود: چرا جامه‌ی قبطیه را نمی‌پوشی؟ گفتیم: ای رسول خدا! آن را به همسرم پوشانیدم.

و برای زن، روسری، جامه‌ی بلند و چادری غلیظ سنت می‌شود و آن را از خود دور می‌کند. و برای مرد، نیکوترین جامه‌اش (سنت می‌شود) و لباس بلند می‌پوشد و عمامه می‌بندد. اگر اکتفا کرد پس دو جامه: لباس بلندی که همراه آن ردا یا ازار یا شلوار باشد. پس اگر بر پوشانیدن عورت اکتفا کرد جایز است. اما گذاشتن چیزی بر دوشش سنت می‌شود و اگر چه طنابی باشد.

فَإِنْ فَقَدَ ثَوْبًا وَأَمَكَنَ سَتْرُ بَعْضِ الْعَوْرَةِ وَجَبَ^{۱۶}، وَيَسْتُرُ السَّوَاتِينَ حَتْمًا^{۱۷}، فَإِنْ
أَمَكَنَ أَحَدَهُمَا فَقَطَّ تَعَيَّنَ الْقُبْلُ^{۱۸}، فَإِنْ فَقَدَهَا بِالْكُلِّيَّةِ صَلَّى عُرْيَانًا بِلَا إِعَادَةٍ^{۱۹}، فَإِنْ

فرمود: به همسرت امر کن که زیر آن زیر پیراهنی قرار دهد. من می‌ترسم که حجم استخوانش را ظاهر و توصیف کند.

^{۱۳} . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿حُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ سورة اعراف، آیه: ۳۱

نزد هر مسجدی خود را با لباس بیاراید.

^{۱۴} . عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوْ قَالَ: قَالَ عُمَرُ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «إِذَا كَانَ لِأَحَدِكُمْ ثَوْبَانِ فَلْيُصَلِّ فِيهِمَا فَإِنْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا ثَوْبٌ وَاحِدٌ
فَلْيَتَزَرَّهُ». صحيح، ابوداود ۶۳۵

هرگاه برای یکی از شما دو پارچه بود پس در آن دو نماز بگزارد. و اگر تنها یک پارچه داشت آن را بصورت لنگ ببندد.

^{۱۵} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يُصَلِّ أَحَدُكُمْ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ لَيْسَ
عَلَى مَنْكِبَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ». صحيح، ابوداود ۶۲۶

یکی از شما در یک پارچه نماز نخواند که بر دو دوشش از آن پارچه چیزی نباشد.

^{۱۶} . قاعده‌ی فقهی: الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ.

قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأْتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ.

بخاری ۷۲۸۸

هرگاه شما را به کاری دستور دارم تا حد توان آن را انجام دهید.

^{۱۷} . مهذب و نجم: زیرا پیدا بودن این دو، غلیظتر و فاحش‌تر است.

^{۱۸} . مهذب و نجم: زیرا به سمت قبله است و اما دُبُر، صفحه‌های نشیمنگاه، آن را

می‌پوشاند.

وَجَدَ السُّتْرَةَ فِي الصَّلَاةِ - وَهِيَ بِقُرْبِهِ - سَتْرٌ وَبَنَى^{۱۹} إِنْ لَمْ يَعِدِلْ عَنِ الْقِبْلَةِ، أَوْ بَعِيدَةً سَتْرًا وَاسْتَأْنَفَ.^{۲۰}

پس اگر لباسی نداشت و پوشیدن قسمتی از عورت ممکن شد، واجب است (آن قسمت را بپوشاند). و (در این شرایط) شرمگاه جلو و عقب را حتما می پوشاند. پس اگر (پوشاندن) یکی از دو شرمگاه امکان داشت فقط (پوشیدن شرمگاه جلو) تعیین می شود. و اگر پوشش را به تمامی از دست داد بدون اعاده‌ی نماز، (در حالت) برهنگی نماز می خواند. و اگر در نماز پوشش را یافت - و آن پوشش نزدیک به اوست - خود را (با آن) می پوشاند و (نمازش را) ادامه می دهد (به شرطی که) از قبله چرخ نخورده باشد. یا (پوشش را در نماز یافت اما از او دور بود (با آن) خود را می پوشاند و (نمازش را) از نو می خواند.

وَتُنْدَبُ الْجَمَاعَةُ لِلْعِرَاةِ، وَيَقِفُ إِمَامُهُمْ وَسَطَهُمْ.^{۲۱}

و برای برهنگان، نماز جماعتی سنت می شود و امام آنان در میان آنان می ایستد.
وَإِنْ أُعِيرَ ثَوْبًا لَزِمَهُ الْقَبُولُ، فَإِنْ لَمْ يَقْبَلْ وَصَلَّى غُرْيَانًا لَمْ تَصِحَّ،^{۲۲} وَإِنْ وَهَبَهُ لَمْ يَلْزَمُهُ.^{۲۳} وَسَبَقَ فِي التَّيْمِمِ مَسَائِلٌ، فَيَعُودُ مِثْلَهَا هُنَا.

و اگر لباسی به او عاریت داده شد لازم اوست آن را بپذیرد. پس اگر نپذیرفت و برهنگی نماز گزارد (نمازش) صحیح نشده است. و اگر (لباسی) به او هدیه داده شد (قبول کردن) آن لازم او نیست. و در تیمم مسائلی گذشت که آن مسائل به این جا (نیز) بر می گردد.

بَابُ اسْتِقْبَالِ الْقِبْلَةِ

^{۱۹} . مجموع: ابوحامد در التعلیق گفته: شخصی که لباسی را نیابد و برهنگی نماز بخواند نمازش اعاده ندارد. در این باره بین مسلمانان خلافتی را ندیدم.

^{۲۰} . مجموع: بدون خلاف، لازم اوست خود را بپوشاند زیرا ستر عورت چیزی است که بدلی ندارد.

^{۲۱} . مهذب: زیرا عمل قلیل و اندکی است که مانع ادامه‌ی نماز نمی شود.

^{۲۲} . مهذب: زیرا به عمل زیادی نیازمند است. (و عمل زیاد مبطل نماز است).

^{۲۳} . مجموع: امام آنان، میانشان می ایستد و یک صف نماز می گزارند تا این که عورت

یکدیگر را نبینند.

^{۲۴} . مهذب: زیرا ستر عورت را با وجود توانایی بر آن، ترک کرده است.

^{۲۵} . مهذب: به خاطر منتهی که دارد.

هُوَ شَرْطٌ لِصِحَّةِ الصَّلَاةِ^{۲۶} إِلَّا فِي شِدَّةِ الْخَوْفِ^{۲۷} وَنَفْلِ السَّفَرِ^{۲۸}، فَلِلْمُسَافِرِ التَّنْفُلُ
رَاكِبًا وَمَاشِيًا^{۲۹} وَإِنْ قَصَرَ سَفَرُهُ^{۳۰}

۲۶. قَالَ تَعَالَى: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ سورة بقره، آیه: ۱۴۴

بدون شک ما چرخ خوردن چهره‌ات را بسوی آسمان می‌بینیم. پس تو را بسوی قبله‌ای متوجه می‌سازیم که به آن راضی هستی. (اکنون) چهره‌ات را بسوی مسجد الحرام متوجه ساز.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَأَسْبِغِ الْوُضُوءَ، ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ فَكَبِّرْ. بخاری ۶۲۵۱

رسول الله صلى الله عليه وسلم به شخصی که نماز را اشتباه می‌خواند، فرمود: هرگاه خواستی نماز بگزاری پس خوب وضو بگیر سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو.

۲۷. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا﴾ سورة بقره، آیه: ۲۳۹

اگر ترسیدید، پیاده یا سواره نماز بگزارید.

قَالَ ابْنُ عُمَرَ: فَإِنْ كَانَ خَوْفٌ هُوَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ، صَلُّوا رِجَالًا قِيَامًا عَلَى أَقْدَامِهِمْ أَوْ رُكْبَانًا، مُسْتَقْبِلِي الْقِبْلَةِ أَوْ غَيْرِ مُسْتَقْبِلِيهَا. بخاری ۴۵۳۵

اگر ترسی شدیدتر از آن بود ایستاده بر قدم‌هایشان یا سواره، رو به طرف قبله یا غیر آن نماز می‌گزارند.

۲۸. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ، حَيْثُ تَوَجَّهَتْ فَإِذَا أَرَادَ الْفَرِيضَةَ نَزَلَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ. بخاری ۴۰۰

رسول الله صلى الله عليه وسلم بر مرکوب خویش نماز می‌گزارد به هر طرفی که مرکوب ایشان می‌رفت. هرگاه می‌خواست نماز فرضی انجام دهد، فرود می‌آمد و رو به قبله می‌نمود.

۲۹. نجم: پیاده بر سواره قیاس گرفته شده است. زیرا سفر پیاده یکی از دو سفر است و

مشقت و سختی سفر پیاده از سفر سواره بیش تر است.

۳۰. نجم: به خاطر اطلاق حدیث. زیرا معنا در سفر طولانی و کوتاه موجود است و آن

عموم حاجت و توسعه در سنت‌هاست.

عجاله و تحفه: به خاطر عموم حاجت.

و استقبال قبله برای صحیح بودن نماز شرط است مگر در شدت ترس و سنت در سفر. پس سنت خواندن (در حالت) سواره و پیاده برای مسافر رواست و اگر چه سفرش کوتاه باشد.

فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا وَأَمَكَنَ اسْتِقْبَالَهُ وَإِتْمَامُ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ فِي مَحْمِلٍ أَوْ سَفِينَةٍ لَزِمَهُ.^{۳۱}

پس اگر سواره بود و استقبال قبله و تکمیل رکوع و سجود در محمل (کجاوه، هودج) یا کشتی ممکن شد؛ (استقبال قبله) لازم اوست.

وَإِنْ لَمْ يُمْكِنَهُ لَزِمَهُ الْإِسْتِقْبَالَ عِنْدَ التَّحَرُّمِ فَقَطَّ^{۳۲} إِنْ سَهَّلَ، [۱] بِأَنْ كَانَتْ وَاقِفَةً وَأَمَكَنَ انْحِرَافَهُ أَوْ تَحْرِيفُهَا، [۲] أَوْ سَائِرَةَ سَهْلَةً وَزِمَامُهَا بِيَدِهِ.^{۳۳}

و اگر (استقبال قبله و تکمیل رکوع و سجود) امکانش نشد؛ فقط هنگام تکبیره الاحرام، استقبال قبله لازم اوست (آن هم به شرطی که) اگر آسان باشد [۱] به این که (حیوان) ایستاده باشد و چرخ خوردنش یا چرخ دادن حیوانش ممکن شود؛ [۲] یا (حیوان) در حال حرکت و رام و مطیع باشد در حالی که افسارش بدستش باشد.

وَإِنْ شَقَّ [۱] بِأَنْ كَانَتْ عَسِيرَةً [۲] أَوْ مَقْطُورَةً، فَلَا.^{۳۴}

و اگر (تحریف و انحراف برایش) دشوار شد [۱] به گونه‌ای که (حیوان) افسارصعبی باشد [۲] یا شترها بسته شده و قطار شده باشند؛ پس نه (اشکالی ندارد که به سمت غیر قبله، تکبیره الاحرام آورد).

^{۳۱} . نجم و عجاله: به خاطر سهولت آن.

تحفه: زیرا مشقتی در این کار نیست.

^{۳۲} . عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» كَانَ إِذَا سَافَرَ فَأَرَادَ

أَنْ يَتَطَوَّعَ اسْتَقْبَلَ بِنَاقَتِهِ الْقِبْلَةَ فَكَبَّرَ، ثُمَّ صَلَّى حَيْثُ وَجَّهَهُ رِكَابُهُ. حسن، ابوداود

۱۲۲۵

انس بن مالک می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه سفر می‌کرد و می‌خواست نماز سنت بگذارد شترش را رو به قبله می‌کرد و تکبیر می‌گفت. سپس نماز می‌گزارد به هر سمتی که شترش را متوجه می‌ساخت.

^{۳۳} . تحفه: به خاطر سهولت آن.

^{۳۴} . نجم: زیرا مشقت حاصل می‌شود.

وَيَوْمِي إِلَى مَقْصِدِهِ بِرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ، وَيَجِبُ كَوْنُهُ أَخْفَضَ،^{۳۵} وَلَا يَجِبُ غَايَةُ وَسُوعِهِ،
وَلَا وَضْعُ الْجَنْبَةِ عَلَى الدَّابَّةِ، فَلَوْ تَكَلَّفَهُ جَارًا.^{۳۶}

و در رکوع و سجودش بسوی مقصدش اشاره می‌کند. و واجب می‌شود (اشاره به) سجود، پایین‌تر (از اشاره به رکوع) باشد. و انتهای توانش واجب نمی‌شود و نه گذاشتن پیشانی بر حیوان. اگر این کار را با سختی و رنج انجام داد جایز است.

وَالْمَاشِي يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَمْتَنِي فِي الْبَاقِي،^{۳۷} وَيُشْتَرَطُ الْإِسْتِقْبَالُ فِي
الْإِحْرَامِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ فَقَطْ.^{۳۸}

و شخص پیاده، بر زمین رکوع و سجود می‌کند. و در باقی (مانند قیام و تشهد) راه می‌رود. و (برای پیاده) استقبال قبله فقط در تکبیره الاحرام، رکوع و سجود شرط کرده می‌شود.

۳۵ . عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَاجَةٍ، قَالَ: «فَجِئْتُ
وَهُوَ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ نَحْوَ الْمَشْرِقِ، وَالسُّجُودُ أَخْفَضُ مِنَ الرُّكُوعِ». صحيح، ابوداؤود
۱۲۲۷

جابر می‌گوید: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم مرا برای کاری فرستاد. (بعد از اتمام ماموریت) آمدم در حالی که ایشان بر مرکوبش به سمت مشرق نماز می‌گزارد. و سجود پایین‌تر از رکوع می‌کرد.

۳۶ . عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فِي السَّفَرِ عَلَى
رَاحِلَتِهِ، حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ يَوْمِيَّ إِيمَاءَ صَلَاةِ اللَّيْلِ، إِلَّا الْفَرَائِضَ وَيُوتِرُ عَلَى رَاحِلَتِهِ». بخاری
۱۰۰۰

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در سفر به هر سمتی که مرکوبش توجه می‌کرد بر مرکوبش نماز شب می‌گزارد. (برای رکوع و سجود) اشاره می‌کرد مگر نماز فرض (که بر مرکوب نمی‌خواند). و نماز وتر را بر مرکوبش می‌خواند.

۳۷ . عَجَالَهُ، نَجْمٌ وَتَحْفَهُ: فِي قِيَامٍ وَتَشْهَدٍ مِمَّنْ تَوَانَدُ حَرَكَةً كُنْدَ زَيْرَا أَنْجَامِ أَنْ، زَمَانٌ زِيَادِي
دَر بَرْمِي گيرد (و به سبب آن از رفقايش و حاجتش باز می‌ماند در نتیجه سبب می‌شود نماز سنت - که بنای آن بر وسعت گذاشته شده - را ترک کند).

۳۸ . تَحْفَهُ، نَهَائِيهٌ وَ مَغْنَى: فِي جُلُوسِ بَيْنِ دَوَّ سَجُودٍ نَيْزٍ وَاجِبٍ اسْتِ كِه رُو بَه قِبْلَه كِنْدِ.
علت آن سهولت و آسانی است.

وَيُشْتَرَطُ دَوَامُ سَفَرِهِ^{۳۹} وَلِزُومُ جِهَةِ مَقْصِدِهِ^{۴۰} إِلَّا إِلَى الْقِبْلَةِ^{۴۱}.

و دوام سفرش و لزوم جهت مقصدش شرط کرده می شود مگر بسوی قبله.

فَإِنْ بَلَغَ فِي أَثْنَائِهَا مَنْزِلَهُ أَوْ مَقْصِدَهُ أَوْ بَلَدًا وَنَوَى الْإِقَامَةَ بِهِ وَجَبَ إِتْمَامُهَا بِرُكُوعٍ
وَسُجُودٍ وَاسْتِقْبَالٍ، عَلَى الْأَرْضِ أَوْ دَابَّةٍ وَاقِفَةٍ^{۴۲}.

پس اگر در اثنای نماز به منزلش یا به مقصدش رسید، یا به شهری (رسید) و نیت اقامت در آن شهر کرد؛ به پایان رساندن آن نماز، با رکوع و سجود و استقبال قبله، بر زمین یا بر حیوان ایستاده، واجب می شود.

^{۳۹} . زیرا این رخصت مخصوص سفر قرار داده شده، در نتیجه در حضر نمی تواند از این رخصت استفاده کند.

^{۴۰} . معنی: زیرا جهت سفرش بدل از قبله است.

دلیل آن حدیث ابوداود ۱۲۲۵ که گذشت. همچنین:

عَنْ أَنَسِ بْنِ سِيرِينَ، قَالَ: اسْتَقْبَلْنَا أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ حِينَ قَدِمَ مِنَ الشَّامِ، فَلَقِينَاهُ بِعَيْنِ التَّمْرِ فَرَأَيْتُهُ «يُصَلِّي عَلَى حِمَارٍ، وَوَجْهُهُ مِنْ ذَا الْجَانِبِ» - يَعْنِي عَنْ يَسَارِ الْقِبْلَةِ -
فَقُلْتُ: رَأَيْتُكَ تُصَلِّي لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ، فَقَالَ: لَوْلَا أَنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
فَعَلَهُ لَمْ أَفْعَلُهُ. بخاری ۱۱۰۰

انس بن سیرین می گوید: هنگامی که انس بن مالک به شام آمد ما به استقبالش آمدیم. او را در عین التمر ملاقات کردیم. پس او را دیدم که بر درازگوشی نماز می گزارد و صورتش به آن طرف بود یعنی به سمت چپ قبله بود. گفتیم: تو را دیدم که بسوی غیر قبله نماز می خوانی؟ گفت: اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم را نمی دیدم که چنین انجام داد؛ هرگز آن را انجام نمی دادم.

عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى حِمَارٍ وَهُوَ
مُوجَّهٌ إِلَى خَيْبَرَ». مسلم ۷۰۰

ابن عمر گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که بر درازگوشی نماز می گزارد در حالی که صورتش به طرف خیبر بود.

^{۴۱} . عجاله و تحفه: زیرا استقبال قبله اصل است.

^{۴۲} . فتح الوهاب المالک: به خاطر انقطاع سفرش که سبب رخصت بود.

